

وصایای امام صادق علیه السلام

به شیعیان



بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« وصية الإمام الصادق 7 لعبد الله بن جندب »

رُوي أَنَّهُ 7 قَالَ :

(۱) يَا عَبْدَ اللَّهِ ! لَقَدْ نَصَبَ إِبْلِيسُ حَبَائِلَهُ فِي دَارِ الْغُرُورِ ؛ فَمَا يَقْصِدُ فِيهَا إِلَّا أَوْلِيَاءَنَا . وَلَقَدْ جَلَّتِ الْآخِرَةُ فِي أَعْيُنِهِمْ حَتَّى مَا يُرِيدُونَ بِهَا بَدَلًا . ثُمَّ قَالَ : آه آه عَلَى قُلُوبِ حُشِيَتُ نُورًا ، وَإِنَّمَا كَانَتْ الدُّنْيَا عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الشُّجَاعِ الْأَرْقَمِ ، وَالْعَدُوِّ الْأَعْجَمِ . اُنْسُوا بِاللَّهِ ، وَاسْتَوْحِشُوا مِمَّا بِهِ اسْتَأْنَسَ الْمُتَرْفُونَ . أُولَئِكَ أَوْلِيَائِي حَقًّا ، وَبِهِمْ تُكْشَفُ كُلُّ فِتْنَةٍ ، وَتُرْفَعُ كُلُّ بَلِيَّةٍ .

(۲) يَا ابْنَ جُنْدَبِ ! حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ يَعْرِفُنَا أَنْ يَعْضِيَ عَمَلَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَكَلْبَةً عَلَى نَفْسِهِ ؛ فَيَكُونُ مُحَاسِبَ نَفْسِهِ ؛ فَإِنْ رَأَى حَسَنَةً اسْتَزَادَ مِنْهَا ، وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً اسْتَعْفَرَ مِنْهَا ؛ لَيْتَلَا يَخْزَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ . طُوبَى لِعَبْدٍ لَمْ يَغْبِطِ الْخَاطِئِينَ عَلَى مَا أُوتُوا مِنْ نَعِيمِ الدُّنْيَا وَزَهْرَتِهَا . طُوبَى لِعَبْدٍ طَلَبَ الْآخِرَةَ ، وَسَعَى لَهَا . طُوبَى لِمَنْ لَمْ تُلْهِهِ الْأَمَانِيُّ الْكَاذِبَةُ . ثُمَّ قَالَ 7 : رَحِمَ اللَّهُ قَوْمًا كَانُوا سِرَاجًا وَمَنَارًا ، كَانُوا دُعَاةً إِلَيْنَا بِأَعْمَالِهِمْ ، وَمَجْهُودٍ طَاقَتِهِمْ . لَيْسَ كَمَنْ يُذْبِعُ أَسْرَارَنَا .

به نام خداوند بخشنده مهربان

« سفارش امام صادق علیه السلام به عبدالله بن جندب »

روایت شده است که امام صادق علیه السلام فرمودند:

(۱) ای عبدالله، شیطان در این عالم فریب کاری، دام‌های خود را گسترده است. و از این کار هیچ مقصودی ندارد، جز آن که دوستان ما را به دام بیندازد. اما آخرت در نظرشان آن چنان با عظمت است که حاضر نیستند آن را با چیزی معاوضه کنند. سپس فرمود: چقدر دل‌های آنان پر نور است! دنیا نزد آنان همچون ماری بسیار خطرناک و همانند دشمنی بی‌منطق است. با خداوند مأنوس‌اند و از آنچه مترفان و خوش‌گذران‌ها با آن انس دارند، دوری می‌کنند. اینان همان دوستان واقعی من هستند و اینها همان کسانی هستند که به واسطه ایشان هر فتنه‌ای رفع می‌شود و هر بلایی از جامعه برداشته می‌شود.

(۲) ای پسر جندب، بر هر مسلمانی که ما را می‌شناسد، لازم است که در هر روز و شب، اعمالش را بر خود عرضه بدارد و از نفس خود حساب بکشد؛ پس اگر کار خوبی در آن‌ها یافت، بر آن بیفزاید و اگر کار زشتی یافت، طلب بخشش نماید تا در قیامت دچار رسوایی نگردد. خوشا به حال بنده‌ای که نسبت به نعمت و زیورهای دنیا که به کافران داده شده حسرت نمی‌خورد. خوشا به حال بنده‌ای که آخرت را برگزیده و در راه آن کوشش می‌کند. خوشا به حال آنکه آرزوهای دروغین سرگرمش نمی‌کند. سپس فرمود: خداوند رحمت کند کسانی را که چراغ و راهنمای مردم بوده و با اعمالشان و نهایت توانشان مردم را به سوی ما دعوت می‌کنند. نه مانند کسانی که اسرار ما را فاش می‌کنند.

(۳) يَا ابْنَ جُنْدَبٍ! إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَخَافُونَ اللَّهَ، وَيُشْفِقُونَ أَنْ يُسْأَلُوا مَا أُعْطُوا مِنَ الْهُدَى؛ فَإِذَا ذَكَرُوا اللَّهَ، وَنَعَمَاءَهُ وَجَلُّوا، وَأَشْفَقُوا، وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا مِمَّا أَظْهَرَهُ مِنْ نَفَازِ قُدْرَتِهِ، وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ.

(۴) يَا ابْنَ جُنْدَبٍ! قَدِيمًا عَمِرَ الْجَهْلُ، وَقَوِيَّ أَسَاسُهُ؛ وَذَلِكَ لِاتِّخَاذِهِمْ دِينَ اللَّهَ لَعِبًا حَتَّى لَقَدْ كَانَ الْمُتَقَرَّبُ مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ بِعِلْمِهِ يُرِيدُ سِوَاهُ، أَوْلَيْكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

(۵) يَا ابْنَ جُنْدَبٍ! لَوْ أَنَّ شَيْعَتَنَا اسْتَقَامُوا لَصَافَحْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَلاَ ظَلَمْتَهُمُ الْغَمَامُ، وَلاَ شَرَقُوا نَهَارًا، وَلاَ كَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ، وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَلَمَّا سَأَلُوا اللَّهَ شَيْئًا إِلاَّ أَعْطَاهُمْ.

(۶) يَا ابْنَ جُنْدَبٍ! لَأَتَقَلُّ فِي الْمُذْنِبِينَ مِنْ أَهْلِ دَعْوَتِكُمْ إِلاَّ خَيْرًا، وَاسْتَكْبِنُوا إِلَى اللَّهِ فِي تَوْفِيقِهِمْ، وَسَأَلُوا التَّوْبَةَ لَهُمْ؛ فَكُلُّ مَنْ قَصَدَنَا، وَوَالَانَا، وَلَمْ يُوَالِ عَدُوَّنَا، وَقَالَ مَا يَعْلَمُ، وَسَكَتَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَوْ أَشْكَلَ عَلَيْهِ؛ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ.

(۷) يَا ابْنَ جُنْدَبٍ! يَهْلِكُ الْمُتَكَلِّفُ عَلَى عَمَلِهِ، وَلَأَ يَنْجُو الْمُجْتَرِيُّ عَلَى الذُّنُوبِ الْوَائِقِ بِرَحْمَةِ اللَّهِ. قُلْتُ: فَمَنْ يَنْجُو؟

(۳) ای پسر جندب، مؤمنان کسانی هستند که خوف الهی در دل دارند و بیمناک‌اند که مبادا هدایتی که به ایشان عطا شده را از دست بدهند. پس هرگاه خداوند و نعماتش را به یاد می‌آورند دلشان به لرزه می‌افتد. و وقتی آیات الهی بر ایشان خوانده می‌شود از بیان نفوذ قدرت او، بر ایمانشان افزوده می‌شود، و به پروردگارشان توکل می‌کنند.

(۴) ای پسر جندب، بنیان جهل از گذشته، آباد شده و پایه‌اش محکم گردیده، چرا که دین خدا را به بازی گرفتند تا آنجا که کسانی که با علمشان در پی تقرب به خدا هستند نیز غیر او را قصد کردند. و آنان همان ستمکارانند.

(۵) ای پسر جندب، اگر شیعیان ما در اطاعت خداوند استقامت داشته باشند فرشتگان با آنان مصافحه می‌کنند و ابرها بر سرشان سایه افکنده و به درخشندگی روز می‌درخشند و روزی و نعمات از همه سو بر آنها جاری شده و هیچ درخواستی از خدا نمی‌کنند، مگر اینکه به آنها عطا می‌کند.

(۶) ای پسر جندب، درباره مؤمنان گناهکار جز به نیکی سخن مگو. و برای توفیق آنان و توبه‌شان از خداوند درخواست کنید. پس هر که ما را بخوهد و دوست بدارد و با دشمن ما دوستی نرزد و آنچه را می‌داند بگوید و آنچه نمی‌داند یا در آن ابهام دارد را نگوید، در بهشت خواهد بود.

(۷) ای پسر جندب، کسی که به اعمالش اعتماد کند، هلاک می‌گردد و آنکه به امید رحمت خداوند، بر انجام گناهان تجرّی پیدا کند نجات نخواهد یافت. گفتم: پس چه کسی نجات می‌یابد؟ حضرت فرمودند: کسانی که حالشان میان خوف و رجا باشد، آنچنان که گویی دلشان از شوق پاداش و

قَالَ: الَّذِينَ هُمْ بَيْنَ الرَّجَاءِ وَالْخَوْفِ، كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ فِي مِخْلَبٍ طَائِرٍ، شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ، وَخَوْفًا مِنَ الْعَذَابِ.

(۸) يَا ابْنَ جُنْدَبِ! مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُرَوِّجَهُ اللَّهُ الْخُورَ الْعَيْنِ، وَيُتَوَّجَهُ بِالنُّورِ؛ فَلْيَدْخُلْ عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ السُّرُورِ.

(۹) يَا ابْنَ جُنْدَبِ! أَقَلَّ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ، وَالْكَلامِ بِالنَّهَارِ؛ فَمَا فِي الْجَسَدِ شَيْءٌ أَقَلَّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ، وَاللِّسَانِ؛ فَإِنَّ أُمَّ سُلَيْمَانَ قَالَتْ لِسُلَيْمَانَ 7: يَا بُنَيَّ! إِيَّاكَ وَالنَّوْمَ؛ فَإِنَّهُ يُفْقِرُكَ يَوْمَ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَى أَعْمَالِهِمْ.

(۱۰) يَا ابْنَ جُنْدَبِ! إِنَّ لِلشَّيْطَانِ مَصَائِدَ يَصْطَادُ بِهَا؛ فَتَحَامُوا شِبَاكَهُ وَمَصَائِدَهُ. قُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! وَمَا هِيَ؟ قَالَ: أَمَّا مَصَائِدُهُ فَصَدُّ عَنْ بِرِّ الْإِخْوَانِ، وَأَمَّا شِبَاكُهُ فَنَوْمٌ عَنْ قِضَاءِ الصَّلَوَاتِ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ. أَمَّا إِنَّهُ مَا يُعْبَدُ اللَّهُ بِمِثْلِ نَقْلِ الْأَقْدَامِ إِلَى بَرِّ الْإِخْوَانِ وَزِيَارَتِهِمْ. وَيَلُّ لِلسَّاهِبِينَ عَنِ الصَّلَوَاتِ، النَّائِمِينَ فِي الْخَلَوَاتِ، الْمُسْتَهْزِئِينَ بِاللَّهِ وَآيَاتِهِ فِي الْفَتَرَاتِ. ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ... يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾. [آل عمران: ۷۷]

(۱۱) يَا ابْنَ جُنْدَبِ! مَنْ أَصْبَحَ مَهْمُومًا لِسُوءِ فَكَأكَ رَقَبَتِهِ فَقَدْ هَوَّنَ عَلَيْهِ الْجَلِيلَ، وَرَغَبَ مِنْ رَبِّهِ فِي الرَّبْحِ الْحَفِيرِ. وَمَنْ غَشَّ أَحَاهُ، وَحَقَّرَهُ، وَنَاوَاهُ

بیم کیفر در چنگال پرنده‌ای است (که هر لحظه احتمال می‌رود آن را در چنگال خود بفشارد یا آن را رها کند).

(۸) ای پسر جندب، هر که می‌خواهد خداوند حورعین به همسری‌اش دهد و تاج نور بر تارکش نهد، باید برادر مؤمن خود را خوشحال نماید.

(۹) ای پسر جندب، از خواب شب و سخن گفتن در روز بکاه. چرا که در پیکر آدمی عضوی کم‌سپاس‌تر از چشم و زبان نیست. پس مادر سلیمان به او گفت: ای پسر من از خواب پرهیز که تو را در روزی که مردم به کردارشان نیازمندند، تهیدست می‌کند.

(۱۰) ای پسر جندب، به راستی شیطان دام‌هایی دارد که به وسیله آن‌ها انسان‌ها را صید می‌کند. پس از دام‌ها و تله‌های او اجتناب کنید. گفتم: ای پسر پیامبر خدا، آن‌ها کدامند؟ فرمود: اما تله‌های او، جلوگیری از نیکی به برادران است و اما دام‌های او، به خواب ماندن هنگام نمازهایی است که خدا واجب نموده است. بدان که برترین عبادت خداوند گامسپاری در راه نیکی به برادران و دیدار ایشان است. وای بر غافلان از نمازها و خفتگان در خلوتگاه‌ها، و استهزا کنندگان نسبت به خدا و آیات او در روزگار ضعف دین. «ایشان را در آخرت بهره‌ای نیست و خداوند در قیامت با آن‌ها سخن نمی‌گوید و ایشان را پاک نمی‌گرداند و عذابی دردناک برایشان خواهد بود.»

(۱۱) ای پسر جندب، هر که شب را به روز رساند و اندیشه‌ای جز رهایی خود از عذاب دوزخ داشته باشد، امر بزرگ را خوار داشته و به سودی ناچیز

جَعَلَ اللَّهُ النَّارَ مَأْوَاهُ . وَمَنْ حَسَدَ مُؤْمِنًا أَنْمَاتَ الْإِيمَانَ فِي قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ .

(۱۲) يَا ابْنَ جُنْدَبِ ! الْمَاشِي فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَالسَّاعِي بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ ، وَقَاضِي حَاجَتِهِ كَالْمُتَسَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْمَ بَدْرٍ ، وَأَحَدٍ . وَمَا عَذَبَ اللَّهُ أُمَّةً إِلَّا عِنْدَ اسْتِهَانَتِهِمْ بِحُقُوقِ فُقَرَاءِ إِخْوَانِهِمْ .

(۱۳) يَا ابْنَ جُنْدَبِ ! بَلِّغْ مَعَاشِرَ شِيعَتِنَا ، وَقُلْ لَهُمْ : لَا تَذْهَبَنَّ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ ؛ فَوَاللَّهِ لَا تَنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ ، وَالْإِجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا ، وَمُؤَاسَاةِ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ ، وَكَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَظْلِمُ النَّاسَ .

(۱۴) يَا ابْنَ جُنْدَبِ ! إِنَّمَا شِيعَتُنَا يُعْرِفُونَ بِخِصَالِ شَيْئِي : بِالسَّخَاءِ ، وَالْبَذْلِ لِلْإِخْوَانِ ، وَبِأَنْ يُصَلُّوا الْخَمْسِينَ لَيْلًا وَنَهَارًا ، شِيعَتُنَا لَا يَهْرُونَ هَرِيرَ الْكَلْبِ ، وَلَا يَطْمَعُونَ طَمَعَ الْغُرَابِ ، وَلَا يُجَاوِرُونَ لَنَا عَدُوًّا ، وَلَا يَسْأَلُونَ لَنَا مُبْغِضًا وَلَوْ مَاتُوا جُوعًا ، شِيعَتُنَا لَا يَأْكُلُونَ الْجِرِّيَّ ، وَلَا يَمَسُّحُونَ عَلَى الْخُفَّيْنِ ، وَيُحَافِظُونَ عَلَى الزَّوَالِ ، وَلَا يَشْرَبُونَ مُسْكِرًا . قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ فَأَيْنَ أَطْلُبُهُمْ ؟ قَالَ 7 : عَلَى رُؤُوسِ الْجِبَالِ ، وَأَطْرَافِ الْمُدُنِ . وَإِذَا دَخَلْتَ مَدِينَةً فَسَلْ عَمَّنْ لَا يُجَاوِرُهُمْ ،

از جانب پروردگارش دل بسته است. و هر که به برادرش خیانت کند و او را تحقیر کند و با او دشمنی نماید، خداوند دوزخ را جایگاهش سازد. و هر که بر مؤمنی حسد ورزد، همان گونه که نمک در آب حل می‌شود، ایمان در دلش آب می‌گردد.

(۱۲) ای پسر جندب، هر که در رفع نیاز برادرش گام بردارد همانند کسی است که میان صفا و مروه گام برمی‌دارد، و هر که نیاز برادرش را برآورد همانند شهدای بدر و احد خواهد بود. و خداوند هیچ امتی را عذاب نفرموده مگر آنگاه که به حقوق برادران نیازمندان بی‌اعتنایی کردند.

(۱۳) ای پسر جندب، به شیعیان ما برسان و به ایشان بگو: هرگز راه‌های گوناگون شما را به خود نکشانند، به خدا سوگند که ولایت ما جز به پارسایی و سخت‌کوشی در دنیا و همیاری برادران در راه خدا به دست نخواهد آمد، و آنکه به مردم ستم می‌کند، شیعه ما نیست.

(۱۴) ای پسر جندب، همانا شیعیان ما به وسیله چند ویژگی شناخته می‌شوند: به سخاوت و بخشش بر برادران و به اینکه شبانه‌روز پنجاه رکعت نماز گزارند. شیعیان ما، (از بی‌صبری) همانند سگ زوزه نمی‌کشند و چون کلاغ طمع ندارند و با دشمن ما همسایگی نمی‌کنند و اگر از گرسنگی بمیرند از دشمن ما گدایی نمی‌کنند. شیعیان ما، مارماهی نمی‌خورند و (همانند سنیان) بر کفش مسح نمی‌کنند و نماز را اول ظهر خوانده و مسکرات نمی‌نوشند. گفتیم: فدایت شوم، آنان را کجا یابم؟ فرمود: در قلّه کوه‌ها و گوشه و کنار

وَلَا يُجَاوِرُونَهُ؛ فَذَلِكَ مُؤْمِنٌ، كَمَا قَالَ اللَّهُ: ﴿وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى﴾ [يس: ۲۰]. وَاللَّهُ لَقَدْ كَانَ حَبِيبَ النَّجَارِ وَحَدَّهُ.

(۱۵) يَا ابْنَ جُنْدَبِ! كُلُّ الذُّنُوبِ مَغْفُورَةٌ سِوَى عُقُوقِ أَهْلِ دَعْوَتِكَ، وَكُلُّ الْبِرِّ مَقْبُولٌ إِلَّا مَا كَانَ رِئَاءً.

(۱۶) يَا ابْنَ جُنْدَبِ! أَحِبِّ فِي اللَّهِ، وَاسْتَمْسِكْ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَاعْتَصِمْ بِالْهُدَى يُقْبَلُ عَمَلُكَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿إِلَّا مَنْ ﴿آمَنَ وَعَمَلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ [طه: ۸۲]؛ فَلَا يُقْبَلُ إِلَّا الْإِيمَانُ، وَلَا إِيْمَانٌ إِلَّا بِعَمَلٍ، وَلَا عَمَلٌ إِلَّا بِبَيِّنٍ، وَلَا يَقِينٌ إِلَّا بِالْخُشُوعِ، وَمَلَائِكُهَا كُلُّهَا الْهُدَى؛ فَمَنْ اهْتَدَى يُقْبَلُ عَمَلُهُ، وَصَعِدَ إِلَى الْمَلَكَوْتِ مُتَقَبَّلًا ﴿وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾. [البقرة: ۲۱۳]

(۱۷) يَا ابْنَ جُنْدَبِ! إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تُجَاوِرَ الْجَلِيلَ فِي دَارِهِ، وَتَسْكُنَ الْفَرْدُوسَ فِي جِوَارِهِ فَلْتَهْنُ عَلَيْكَ الدُّنْيَا، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ نُصْبَ عَيْنِكَ، وَلَا تَدْخِرْ شَيْئًا لِعَدِيٍّ، وَاعْلَمْ أَنَّ لَكَ مَا قَدَّمْتَ، وَعَلَيْكَ مَا أَخَّرْتَ.

شهرها. چون به شهری وارد شدی سراغ کسی را بگیر که با ایشان همسایگی نمی کند و ایشان با او مجاورت نمی کنند(مقصود روزگار غلبه کفر است)، پس او مؤمن است. چنان که خداوند فرمود: «از دورترین نقاط شهر مردی شتابان آمد» به خدا سوگند که او «حبیب نجار» بود.

(۱۵) ای پسر جندب، همه گناهان آمرزیده می شود جز ناسپاسی و ظلم به هم کیشانت. و همه نیکوکاری ها پذیرفته می گردد، جز آنچه به ریا باشد.

(۱۶) ای پسر جندب، در راه خدا دوستی کن و به ریسمان محکم (دین) دست چنگ بزن، و به مدد هدایت، خود را نگهدار تا اعمالت پذیرفته شود زیرا خداوند می فرماید: «مگر آن که به خدا ایمان آورده و عمل نیک داشته و آن گاه هدایت شود» پس تنها ایمان مورد قبول است، و ایمانی جز به رفتار شایسته نیست، و رفتار شایسته نیز با یقین همراه است و یقین جز به سرسپردگی صورت نپذیرد، و ریشه همه اینها به هدایت است. پس هر که هدایت شود کردارش قبول شده و به ملکوت عروج می کند «و خداوند هر که را بخواهد به راه راست هدایت کند».

(۱۷) ای پسر جندب، اگر دوست داری که با خداوند جلیل در سرای او همسایگی کنی و در کنار او به فردوس مسکن گیری باید دنیا نزدت خوار باشد و همواره به یاد مرگ باشی. و چیزی برای فردایت ذخیره نسازی، و بدان آنچه پیش فرستی از آن توست و آنچه باقی گذاری به زیانت باشد.

(۱۸) يَا ابْنَ جُنْدَبِ! مَنْ حَرَّمَ نَفْسَهُ كَسْبَهُ فَإِنَّمَا يَجْمَعُ لِيْغِيْرِهِ، وَمَنْ أَطَاعَ هَوَاهُ فَقَدْ أَطَاعَ عَدُوَّهُ. مَنْ يَتَّقِ بِاللَّهِ يَكْفِهِ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ، وَيَحْفَظُ لَهُ مَا غَابَ عَنْهُ. وَقَدْ عَجَزَ مَنْ لَمْ يُعِدَّ لِكُلِّ بَلَاءٍ صَبْرًا، وَلِكُلِّ نِعْمَةٍ شُكْرًا، وَلِكُلِّ عُسْرٍ يُسْرًا. صَبْرٌ نَفْسَكَ عِنْدَ كُلِّ بَلِيَّةٍ فِي وُلْدٍ أَوْ مَالٍ أَوْ رِزْيَةٍ؛ فَإِنَّمَا يَقْبِضُ غَارِيَتَهُ، وَيَأْخُذُ هَيْبَتَهُ لِيَبْلُوَ فِيهِمَا صَبْرَكَ وَشُكْرَكَ. وَارْجُ اللَّهَ رَجَاءً لَّا يُجْرِبُكَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، وَخَفَهُ خَوْفًا لَّا يُؤْسِكُ مِنْ رَحْمَتِهِ. وَلَا تَغْتَرَّ بِقَوْلِ الْجَاهِلِ وَلَا بِمَذْحِجِهِ؛ فَتَكْبَرُ، وَتَجَبَّرَ، وَتُعْجَبَ بِعَمَلِكَ؛ فَإِنَّ أَفْضَلَ الْعَمَلِ الْعِبَادَةَ وَالْتِوَاضِعُ؛ فَلَا تُضَيِّعُ مَالَكَ، وَتُضْلِحَ مَالَ غَيْرِكَ مَا خَلَفْتَهُ وَرَاءَ ظَهْرِكَ. وَأَقْنَعُ بِمَا قَسَمَهُ اللَّهُ لَكَ، وَلَا تَنْظُرُ إِلَّا إِلَى مَا عِنْدَكَ، وَلَا تَتَمَنَّأَ مَا لَسْتَ تَنَالُهُ؛ فَإِنَّ مَنْ قَنَعَ شَيْعٍ، وَمَنْ لَمْ يَقْنَعْ لَمْ يَشْبَعْ. وَخُذْ حَظَّكَ مِنْ آخِرَتِكَ، وَلَا تَكُنْ بَطْرًا فِي الْغِنَى، وَلَا جَزَعًا فِي الْفَقْرِ. وَلَا تَكُنْ فَظًّا غَلِيظًا يَكْرَهُ النَّاسُ قُرْبَكَ، وَلَا تَكُنْ وَاهِنًا يُحَقِّرُكَ مَنْ عَرَفَكَ. وَلَا تُشَارَّ مَنْ فَوْقَكَ، وَلَا تَسْخَرُ بِمَنْ هُوَ دُونَكَ. وَلَا تُتَارِعِ الْأَمْرَ أَهْلَهُ، وَلَا تَطْعِ السُّفَهَاءَ، وَلَا تَكُنْ مَهِينًا تَحْتَ كُلِّ أَحَدٍ، وَلَا تَتَّكِلَنَّ عَلَى كِفَايَةِ أَحَدٍ. وَقِفْ عِنْدَ كُلِّ أَمْرٍ حَتَّى تَعْرِفَ مَدْخَلَهُ مِنْ مَخْرَجِهِ قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِيهِ فَتَنْدَمَ. وَاجْعَلْ قَلْبَكَ قَرِيبًا تُشَارِكُهُ. وَاجْعَلْ عَمَلَكَ وَالِدًا تَتَّبِعُهُ، وَاجْعَلْ نَفْسَكَ عَدُوًّا تُجَاهِدُهُ وَعَارِيَةً تُرُدُّهَا؛

(۱۸) ای پسر جندب، آنکه خود را از دستاورد خویش محروم سازد، آن را برای دیگری اندوخته و آنکه از نفسش پیروی کند از دشمنش فرمان برده. هر که به خدا اعتماد کند خداوند او را در امور مهم دنیا و آخرتش بی نیاز می سازد و آنچه از او غایب است را برایش حفظ می کند. مسلماً آنکه در بلاها صبر نداشته و بر نعمت‌ها سپاسگذار نیست، و در سختی‌ها راحتی آماده نساخته، درمانده می گردد. خود را در هر بلایی در مورد فرزند و مال یا هر مصیبتی شکمیا دار، چرا که خداوند امانت خود را می گیرد و هدیه اش را باز پس می گیرد تا صبر و سپاسگذاری‌ات را بیازماید. چنان به خداوند امیدوار باش که تو را به نافرمانی نکشاند و چنان از او بیم دار که تو را از رحمتش نا امید نسازد. به سخن و ستایش نادان فریب مخور که دچار تکبر و گردن کشی شوی، زیرا برترین عمل عبادت و فروتنی است. مال خود را با پرداختن به اصلاح مال دیگری - که پس از خود به جای می گذاری - تباه مکن. به آنچه خدا روزی‌ات کرده قانع باش و جز به آنچه خود داری منگر. و آنچه برای دست یافتنی نیست آرزو مکن. زیرا هر که قناعت ورزد سیر شود و هر که قناعت نکند سیری ندارد. و بهره‌ات از آخرت را بگیر و در توانگری بی بند و باری و در تنگدستی بیتابی مکن. آنچنان خشن و ترشروی مباش که مردم از نزدیکی تو بیزار باشند و نه چنان سبکسر باش که آشنایان تو را سبک شمارند. با بالا دست خود ستیزه مکن و زیر دست را مسخره نکن و در هیچ کاری با شایستگان آن کشمکش مکن و از بیخردان فرمان مبر. و زیر دست هر کسی خود را خوار مساز. و با اعتماد به کسی خود را بی نیاز بدان. و در هر کاری تامل کن و جوانبش را بسنج تا دچار پشیمانی نشوی. دلت را چون خویشاوندی ساز که با او شراکت داری و عملت را چون پدری قرار ده که

فَأَنْتَ كَفَدَ جُعِلَتْ طَيِّبَ نَفْسِكَ ، وَعُرِفَتْ آيَةَ الصَّحَّةِ ، وَبُيِّنَ لَكَ الدَّاءُ ، وَدُلِّتَ عَلَى الدَّوَاءِ ؛ فَانظُرْ قِيَامَكَ عَلَى نَفْسِكَ ، وَإِنْ كَانَتْ لَكَ يَدٌ عِنْدَ إِنْسَانٍ فَلَا تُفْسِدْهَا بِكَثْرَةِ الْمَنِّ وَالذِّكْرِ لَهَا ، وَلَكِنْ أُتْبِعْهَا بِأَفْضَلِ مِنْهَا ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ أَجْمَلُ بِكَ فِي أَخْلَاقِكَ ، وَأَوْجَبُ لِلثَّوَابِ فِي آخِرَتِكَ . وَعَلَيْكَ بِالصَّمْتِ تَعَدُّ حَلِيمًا ، جَاهِلًا كُنْتَ أَوْ عَالِمًا ؛ فَإِنَّ الصَّمْتَ زَيْنٌ لَكَ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ ، وَسِتْرٌ لَكَ عِنْدَ الْجُهَالِ .

(۱۹) يَا ابْنَ جُنْدَبِ ! إِنَّ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ ۷ قَالَ لِأَصْحَابِهِ : «أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ مَرَّ بِأَخِيهِ فَرَأَى ثَوْبَهُ قَدْ انْكَشَفَ عَنْ بَعْضِ عَوْرَتِهِ أَمْ كَانَ كَاشِفًا عَنْهَا كُلَّهَا أَمْ يَرُدُّ عَلَيْهَا مَا انْكَشَفَ مِنْهَا ؟ قَالُوا : بَلْ نَرُدُّ عَلَيْهَا . قَالَ : كَلَّا ! بَلْ تَكْشِفُونَ عَنْهَا كُلَّهَا - فَعَرَفُوا أَنَّهُ مَثَلُ ضَرْبِهِ لَهُمْ - فَقِيلَ : يَا رُوحَ اللَّهِ ! وَكَيْفَ ذَلِكَ ؟ قَالَ : الرَّجُلُ مِنْكُمْ يُطَّلِعُ عَلَى الْعَوْرَةِ مِنْ أَخِيهِ فَلَا يَسْتُرُهَا » . بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ إِنَّكُمْ لَا تُصِيبُونَ مَا تُرِيدُونَ إِلَّا بَتَرَكِ مَا تَشْتَهُونَ ، وَلَا تَتَّالُونَ مَا تَأْمَلُونَ إِلَّا بِالصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ . إِيَّاكُمْ وَالنَّظْرَةَ ؛ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ ، وَكَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً . طُوبَى لِمَنْ جَعَلَ بَصَرَهُ فِي قَلْبِهِ ، وَلَمْ يَجْعَلْ بَصَرَهُ فِي عَيْنِهِ . لَا تَنْظُرُوا فِي عُيُوبِ النَّاسِ كَالْأَرْيَابِ ، وَانظُرُوا فِي عُيُوبِكُمْ كَهَيْئَةِ الْعَبِيدِ . إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ مُبْتَلَى وَمُعَافَى ؛ فَارْحَمُوا الْمُبْتَلَى وَاحْمَدُوا اللَّهَ عَلَى الْعَافِيَةِ .

از او پیروی می کنی و نفست را دشمنی گیر که با او جهاد می کنی و عاریه ای دان که بر می گردانی. از آنجا که تو طیب نفس خویش شده ای و نشانه تندرستی را به تو آموخته و بیماری را به تو شناسانده و دارو را نشانت داده اند، پس بنگر با نفس خود چه می کنی. اگر احسان و بخشش نمودی با منت و یادآوری، عملت را تباه نساز، بلکه با احسان بیشتر به نیکی ات ادامه بده، زیرا چنین کاری برای اخلاقت زیباتر و برای آخرتت ثواب آورتر است. بر تو باد به سکوت - خواه عالم باشی یا جاهل - تا از برداران به شمار آیی، چرا که سکوت در محضر دانشمندان زینت تو و در نزد نادانان پوشش توست.

(۱۹) ای پسر جندب، عیسی بن مریم علیه السلام به یارانش گفت: «به من بگویند اگر یکی از شما ببیند که جامه برادرش اندکی از شرمگاه او را نمودار ساخته آیا همه آن را عریان می کند یا آنچه را عیان شده می پوشاند؟ گفتند: حتماً آن را می پوشانیم. گفت: هرگز، بلکه تمامش را عریان می کنید - پس دریافتند که این مثلی بوده که برای آنها زده است - پس گفتند: ای روح الله چگونه اینطور است؟ گفت: یعنی هرگاه یکی از شما بر عیب برادرش آگاه می شود، آن را نمی پوشاند.» پس به حقیقت به شما می گویم که جز با ترک لذتها به خواسته هایتان نخواهید رسید و جز با بردباری بر ناملایمات به آرزوهایتان نمی رسید. از یک نگاه آلوده نیز پرهیزید زیرا همان یک نگاه بذر شهوت را در دل می کارد و برای فریفتن شما کافی است. خوشا بر آنکه دیده اش در دلش باشد و نه در چشمش. همچون اربابان به عیوب مردم ننگرید بلکه همچون بندگان به عیوب خود بنگرید. همانا مردم دو گروهند: گرفتار و آسوده خاطر. پس گرفتار را مورد لطف و محبت قرار دهید و بر آسودگی شکر گذار خدا باشید.

(۲۰) يَا ابْنَ جُنْدَبٍ! صِلْ مَنْ قَطَعَكَ، وَأَعْطِ مَنْ حَرَمَكَ،  
وَأَحْسِنْ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ، وَسَلِّمْ عَلَى مَنْ سَبَّكَ، وَأَنْصِفْ مَنْ  
خَاصَمَكَ، وَأَعْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ كَمَا أَنْتَ تُحِبُّ أَنْ يُعْفَى عَنْكَ؛  
فَاعْتَبِرْ بِعَفْوِ اللَّهِ عَنْكَ، أَلَا تَرَى أَنَّ شَمْسَهُ أُشْرِقَتْ عَلَى الْأَبْرَارِ  
وَالْفَجَّارِ، وَأَنَّ مَطَرَهُ يَنْزِلُ عَلَى الصَّالِحِينَ وَالْخَاطِئِينَ.

(۲۱) يَا ابْنَ جُنْدَبٍ! لَا تَتَّصِدُقْ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لِئُرْكَوكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ  
فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ اسْتَوْفَيْتَ أَجْرَكَ، وَلَكِنْ إِذَا أُعْطِيَتَ بِيَمِينِكَ فَلَا تُطْلِعْ عَلَيْهَا  
شِمَالَكَ؛ فَإِنَّ الَّذِي تَتَّصِدُقُ لَهُ سِرًّا يُجْزِيكَ عَلَانِيَةً عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ فِي  
الْيَوْمِ الَّذِي لَا يَضُرُّكَ أَنْ لَا يُطْلِعَ النَّاسَ عَلَى صَدَقَتِكَ. وَأَخْفِضِ الصَّوْتَ، إِنَّ  
رَبَّكَ الَّذِي يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ قَدْ عَلِمَ مَا تُرِيدُونَ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلُوهُ.  
وَإِذَا صُمْتَ فَلَا تَغْتَبِ أَحَدًا، وَلَا تَلْبِسُوا صِيَامَكُمْ بِظُلْمٍ، وَلَا تَكُنْ كَالَّذِي يَصُومُ  
رِثَاءَ النَّاسِ مُغْبِرَةً وُجُوهُهُمْ، شَعْنَةً رُءُوسُهُمْ، يَابِسَةً أَفْوَاهُهُمْ لِكَيْ يَعْلَمَ النَّاسُ  
أَنَّهُمْ صِيَامِي.

(۲۲) يَا ابْنَ جُنْدَبٍ! الْخَيْرُ كُلُّهُ أَمَامَكَ، وَإِنَّ الشَّرَّ كُلَّهُ أَمَامَكَ،  
وَلَنْ تَرَى الْخَيْرَ وَالشَّرَّ إِلَّا بَعْدَ الْآخِرَةِ؛ لِأَنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ جَعَلَ الْخَيْرَ  
كُلَّهُ فِي الْجَنَّةِ، وَالشَّرَّ كُلَّهُ فِي النَّارِ؛ لِأَنَّهَا الْبَاقِيَانِ. وَالْوَأْجِبُ عَلَى  
مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ الْهُدَى، وَأَكْرَمَهُ بِالْإِيمَانِ، وَاللَّهُمَّ رُشِّدَهُ، وَرَكِّبْ فِيهِ  
عَقْلًا يَتَعَرَّفُ بِهِ نِعْمَهُ، وَأَتَاهُ عِلْمًا وَحُكْمًا يُدَبِّرُ بِهِ أَمْرَ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ أَنْ

(۲۰) ای پسر جندب، با آنکه از تو گسسته بپوند و به آنکه محرومت  
کرده بخشش کن و با آنکه به تو بدی کرده نکویی کن و بر آنکه تو را دشنام  
داده سلام کن و با آنکه بر تو ادعایی دارد انصاف ورز و آنکه به تو ستم  
کرده ببخش همچنان که دوست داری تو را ببخشند، به بخشایش خدا نسبت  
به خودت بنگر، آیا نمی بینی که آفتابش بر نیکان و بدان می تابد و بارانش بر  
نیکوکاران و خطاکاران می بارد.

(۲۱) ای پسر جندب، در برابر دیدگان مردم صدقه مده تا تو را از نیکان  
شمارند، زیرا در این صورت مزدت همان خواهد بود، و چنان کن که اگر با  
دست راست بخشیدی دست چپ مطلع نگردد، زیرا آنکه به خاطرش پنهانی  
صدقه می دهی، در روزی که آگاهی مردم از صدقه ات زیانی به تو نمی-  
رساند، در برابر همگان پاداشت می دهد. صدا آهسته دار زیرا پروردگارت به  
آشکار و پنهان آگاه است و قبل از آنکه درخواست کنی آن را می داند. و  
هرگاه روزه داشتی غیبت مکن. و روزه را با ستم میالایید. و چون کسی مباش  
که برای نمایش به مردم روزه می گیرد که چهره را تیره گون و سرها را ژولیده  
و دهانها را خشکیده نمایند تا مردم بدانند که ایشان روزه دارند.

(۲۲) ای پسر جندب، تمام نیکی ها و بدی ها فراروی توست. اما نیکی و  
بدی را به طور کامل جز در آخرت نخواهی دید، زیرا خداوند تمام نیکی را  
در بهشت و تمام بدی را در دوزخ نهاده است چه آن دو جاودانه اند. و بر  
آنکه خدا هدایت بخشیده و به ایمان گرامیش داشته و راه راست را به وی  
الهام فرموده و خردی به وی داده که نعمت های او را بشناسد و حکمتی به او

يُوجِبَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَشْكُرَ اللَّهَ، وَلَا يَكْفُرْهُ، وَأَنْ يَذْكُرَ اللَّهَ، وَلَا يَنْسَاهُ، وَأَنْ يُطِيعَ اللَّهَ، وَلَا يَعْصِيَهُ، لِلْقَدِيمِ الَّذِي تَفَرَّدَ لَهُ بِحُسْنِ النَّظَرِ، وَلِلْحَدِيثِ الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيْهِ بَعْدَ إِذْ أَنْشَأَهُ مَخْلُوقًا، وَلِلْجَزِيلِ الَّذِي وَعَدَهُ، وَالْفَضْلِ الَّذِي لَمْ يُكَلِّفْهُ مِنْ طَاعَتِهِ فَوْقَ طَاقَتِهِ، وَمَا يَعْجِزُ عَنِ الْقِيَامِ بِهِ، وَضَمِنَ لَهُ الْعَوْنَ عَلَى تَيْسِيرِ مَا حَمَلَهُ مِنْ ذَلِكَ، وَنَدَبَهُ إِلَى الْإِسْتِعَانَةِ عَلَى قَلِيلٍ مَا كَلَّفَهُ وَهُوَ مُعْرِضٌ عَمَّا أَمَرَهُ، وَعَاجِزٌ عَنْهُ، قَدْ لَبِسَ ثَوْبَ الْإِسْتِهَانَةِ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَبِّهِ مُتَقَلِّدًا لِهَوَاهُ، مَا ضَيَّأَ فِي شَهَوَاتِهِ، مُؤَثِّرًا لِدُنْيَاهُ عَلَى آخِرَتِهِ، وَهُوَ فِي ذَلِكَ يَتَمَنَّى جِنَانَ الْفِرْدَوْسِ وَمَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَطْمَعَ أَنْ يَنْزِلَ بِعَمَلِ الْفَجَّارِ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ. أَمَا إِنَّهُ لَوْ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ، وَقَامَتِ الْقِيَامَةُ، وَجَاءَتِ الطَّامَةُ، وَنَصَبَ الْجَبَّارُ الْمَوَازِينَ لِفَضْلِ الْقَضَاءِ، وَبَرَزَ الْخَلَائِقُ لِيَوْمِ الْحِسَابِ أَيْقَنَتْ عِنْدَ ذَلِكَ لِمَنْ تَكُونُ الرَّفْعَةُ وَالْكَرَامَةُ، وَبِمَنْ تَحُلُّ الْحَسْرَةُ وَالنَّدَامَةُ؛ فَاعْمَلِ الْيَوْمَ فِي الدُّنْيَا بِمَا تَرْجُو بِهِ الْفَوْزَ فِي الْآخِرَةِ.

(۲۳) يَا ابْنَ جُنْدَبِ! قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ فِي بَعْضِ مَا أَوْحَى: «إِنَّمَا أَقْبَلُ الصَّلَاةَ مِمَّنْ يَتَوَاضَعُ لِعِظْمَتِي، وَيَكْفُ نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ مِنْ أَجْلِي، وَيَقْطَعُ نَهَارَهُ بِذِكْرِي، وَلَا يَتَعَطَّمُ عَلَى خَلْقِي، وَيُبْطِعُ الْجَائِعَ، وَيَكْسُو الْعَارِيَّ، وَيَرْحَمُ الْمُصْطَابَ، وَيُؤْوِي الْعَرِيبَ؛ فَذَلِكَ يُشْرِقُ نُورُهُ مِثْلَ الشَّمْسِ

عطا کرده که کار دین و دنیایش را چاره کند، لازم است که سپاسگزار خدا بوده و ناسپاسی نکند، و همواره به یاد خدا باشد و فراموشش نکند و او را اطاعت کند و نافرمانی نکند، چرا که از گذشته او را مشمول لطف خویش ساخته و نعماتی که پس از خلقتش بر او جاری داشته و پاداشی که به او وعده داده و رحمتش که موجب شده بیش از توانش بر او تکلیف نکند و ضمانت نموده که او را در انجام وظایفش یاری کند و او را به یاری خواستن از خویش بر انجام همان تکلیف اندک فراخوانده درحالی که انسان از انجام وظایفش رویگردان و ناتوان است و جامه بی‌اعتنایی میان خود و خدا پوشیده و مطیع هوای نفس، و در پی لذت‌ها بوده و دنیا را بر آخرت مقدم داشته و با این حال آرزوی باغ‌های بهشت دارد در حالی که شایسته نیست کسی با رفتار ناشایست جایگاه نیکان را طلب کند. پس آگاه باشید که اگر رستاخیز رو دهد، و قیامت و آن حادثه بزرگ فرا رسد، و خداوند جبار میزان عدل را برای داوری برپا کند، و مردم برای حسابرسی حاضر شوند، در آن زمان خواهی دانست که رفعت و کرامت از آن کیست، و حسرت و پشیمانی از آن چه کسی است، پس در این دنیا به گونه‌ای رفتار کن که به وسیله آن توقع نجات و کامیابی در آخرت را داری.

(۲۳) ای پسر جندب، خدای عزّ و جلّ در یک وحی خویش فرمود: «من تنها نماز کسی را می‌پذیرم که در برابر عظمتم فروتنی کند و برای من خود را از لذت‌ها باز دارد و روزش را به یاد من سپری کرده و بر آفریدگانم تکبر نکند و گرسنگان را سیر کند و برهنگان را پوشاند و به گرفتاران مهربانی کند

أَجْعَلُ لَهُ فِي الظُّلْمَةِ نُورًا، وَفِي الجَهَالَةِ حِلْمًا، أَكَلُوهُ بِعِزَّتِي  
وَأَسْتَحْفِظُهُ مَلَائِكَتِي، يَدْعُونِي فَأَلْبِيهِ، وَيَسْأَلْنِي فَأَعْطِيهِ؛  
فَمَثَلُ ذَلِكَ العَبْدِ عِنْدِي كَمَثَلِ جَنَاتِ الفِرْدَوْسِ لَآ يُسْبِقُ  
أَثْمَارُهَا، وَلَا تَتَغَيَّرُ عَنْ حَالِهَا.

(۲۴) يَا ابْنَ جُنْدَبِ! الْإِسْلَامُ عُرْبَانٌ فَلِبَاسُهُ الْحَيَاءُ، وَزِينَتُهُ الْوَقَارُ،  
وَمُرُوءَتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ، وَعِمَادُهُ الْوَرَعُ. وَلِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ، وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ  
حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

(۲۵) يَا ابْنَ جُنْدَبِ! إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سُورًا مِنْ نُورٍ، مَحْفُوفًا  
بِالزَّبْرِ جِدِّ وَالْحَرِيرِ، مُنْجِدًا بِالسُّنْدُسِ وَالِدِّيَابِجِ، يُضْرَبُ هَذَا السُّورُ بَيْنَ  
أَوْلِيَانِنَا وَبَيْنَ أَعْدَائِنَا؛ فَإِذَا غَلَى الدَّمَاعُ، وَبَلَغَتْ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ،  
وَنَضِجَتْ الْأَكْبَادُ مِنْ طُولِ الْمَوْقِفِ أُدْخِلَ فِي هَذَا السُّورِ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ؛  
فَكَانُوا فِي أَمْنِ اللَّهِ وَحِرْزِهِ، لَهُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ، وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ  
. وَأَعْدَاءُ اللَّهِ قَدْ أَلْجَمَهُمُ الْعِرْقُ، وَقَطَعَهُمُ الْفِرْقُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَى مَا  
أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ؛ فَيَقُولُونَ: ﴿ مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ  
﴾ [ص: ۶۲]؛ فَيَنْظُرُ إِلَيْهِمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ؛ فَيَضْحَكُونَ مِنْهُمْ؛ فَذَلِكَ قَوْلُهُ  
عَزَّ وَجَلَّ: ﴿ أَتَّخَذْنَا هُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ ﴾. [ص: ۶۳]  
وَقَوْلُهُ: ﴿ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴾ عَلَى الْأَرَائِكِ  
يَنْظُرُونَ. [المطففين: ۳۴ - ۳۵]

و بی پناهان را جای دهد. پس چنین بنده‌ای نورش چون خورشید بتابد، در  
تاریکی به او نور دهم و در نادانی به او بردباری بخشم، قسم به عزتم که از او  
حراست می‌کنم و فرشتگانم را به پاسداریش می‌گمارم، اگر مرا بخواند  
پاسخش می‌دهم، و اگر درخواست کند عطایش می‌کنم. چنین بنده‌ای نزد  
من همچون باغ‌های بهشت است که میوه‌هایش بی‌مانند و تغییر ناپذیر است.

(۲۴) ای پسر جندب، اسلام برهنه است پس لباسش حیا و زیورش وقار  
و جوانمردی‌اش کردار نیک باشد و ستونش پارسایی است. هر چیز را پایه‌ای  
است و پایه اسلام دوستداری ما اهل بیت است.

(۲۵) ای پسر جندب، به راستی خدای تبارک و تعالی را حصار می‌کنم  
از نور، که با زمرد و حریر احاطه شده، و با سندس و دیبا مزین گشته، این  
حصار در میان دوستان و دشمنان ما کشیده می‌شود پس آنگاه که مغزها  
بجوشد و جان‌ها به لب رسند و جگرها از طول درنگ در قیامت بسوزد،  
دوستداران خدا به این حصار داخل می‌شوند پس آنان در امان و پناه خدا  
بوده، و در آنجا هر چه را دل خواهد و دیده‌ها از دیدنش لذت برند، موجود  
است. و اما دشمنان خدا، از عرق زبان‌شان بسته و هول و هراس بند دلشان  
را بریده و به آنچه خدا برایشان آماده کرده می‌نگرند و می‌گویند: «چرا  
مردانی را که از بد کرداران می‌انگاشتیم (در دوزخ) نمی‌بینیم؟» پس  
دوستداران خدا به ایشان می‌نگرند و بر آنان می‌خندند، و این است مصداق  
گفته خدای عز و جل: «آیا آنان را به ریشخند گرفته‌ایم یا چشمان (ما) بر آنها  
نمی‌افتد؟» و نیز گفته او: «حال امروز مؤمنان به کافران می‌خندند \* که بر

فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ مِّمَّنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا مِنْ أَوْلِيَائِنَا بِكَلِمَةٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بغيرِ  
حِسَابٍ.

تخت‌ها نشسته و نظاره می‌کنند». و هر که به مؤمنی از دوستان ما هر چند با  
گفتن کلمه‌ای کمک کرده باشد خداوند بی حساب وارد بهشتش می‌کند.

منبع: تحف العقول، ص ۳۰۱.